

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٤٢٧.٦



دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

گروه علوم سیاسی

مدرنیته و غرب در اندیشه روشنفکران بعد از انقلاب اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته:

علوم سیاسی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمدرضا تاجیک

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر منصور میر احمدی

استاد داور:

جناب آقای دکتر علیرضا ازغندی

نگارش:

قادر نعیمی

خرداد ۸۹


۱۳۸۹ / ۷ / ۲۴

معاونت اطلاع‌رسانی و نشر
کتابخانه مرکزی

۱۴۲۷۰۶

اذعان

اینجانب قادر نعیمی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی به شماره دانشجویی ۸۵۴۱۷۰۵۹ گواهی می‌نمایم که تحقیقات ارائه شده در این پایان‌نامه توسط شخص اینجانب انجام شده و صحت و اصالت مطلب نگارش شده را بر عهده می‌گیرم. در موارد استفاده از کار دیگر محققان به مرجع مورد استفاده اشاره شده است. به علاوه گواهی می‌نمایم که مطالب مندرج در پایان‌نامه تاکنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب یا فرد دیگری ارائه نشده است و در تدوین متن پایان‌نامه چارچوب مصوب دانشکده را به طور کامل رعایت کرده‌ام.

امضاء دانشجو:  (ننمی)

تاریخ: ۸۹/۳/۱۹

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق، همچنین چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس از این پایان نامه کارشناسی ارشد، برای دانشگاه شهید بهشتی محفوظ است.

نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.



دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

گروه علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی آقای قادر نعیمی

تحت عنوان

مدرنیته و غرب در اندیشه روشنفکران بعد از انقلاب اسلامی

در تاریخ ۸۹/۳/۱۹ توسط هیات داوران زیر بررسی و با نمره ۱۹ و درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱-استاد راهنمای پایان نامه

دکتر محمدرضا تاجیک

امضاء

۲-استاد مشاور پایان نامه

دکتر منصور میر احمدی

امضاء

۳-استاد داور

دکتر علیرضا ازغندی

امضاء



من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

در اینجا بر خودم واجب می دانم از اساتید محترم کمال تشکر را داشته باشم. از آقای دکتر تاجیک که با تدریس درس نظریه های جدید یک افق گسترده را پیش چشم ما باز کردند و همچنین ایشان با وجود مشکلات پیش آمده همیشه با رویی گشاده پذیرا بودند. از آقای دکتر میر احمدی که روشنفکرانه در روشن شدن زوایای تاریک ذهن ما نقش بسزایی داشتند ایشان همیشه بین دانشجویان به یک ویژگی بارز شناخته می شوند ایشان همیشه ملجاء و پناهگاه دانشجویان در برابر مشکلات پیش آمده اداری هستند. و دکتر ازغندی که در همان زمان ورود به این دانشکده ذهنیت توهم توطئه و تفکر دائی جان ناپلئونی را از ذهن ما پاک کردند و با تشکر از دیگر اساتید و بخصوص دکتر قوام و دکتر سریع القلم که اندیشیدن را به ما یاد دادند.

تقدیم به

جانباختگان

و

زجر کشیدگان راه آزادی

عنوان : مدرنیته و غرب در اندیشه روشنفکران بعد از انقلاب اسلامی

دانشجو : قادر نعیمی

استاد راهنما : دکتر محمدرضا تاجیک

دوره : کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

تاریخ ارائه : ۸۹/۳/۱۹

چکیده : در واقع از همان ورود مدرنیته به ایران، اضطراب و دغدغه جامعه ایرانی در مورد این مهمان ناخوانده شروع شد. چندان اغراق آمیز نخواهد بود اگر ادعا شود مسئله مدرنیته مهمترین مسئله سنت روشنفکری ما بوده است که بر جغرافیای انسانی ما سایه افکنده است و هیمنه خود را بر کلمات نهایی ما مسلط کرده است. این مسئله منجر به شکل گیری ۳ جریان فکری در برابر مدرنیته در میان روشنفکران شد.

۱- پذیرش مدرنیته

۲- انکار و رد مدرنیته

۳- گزینش مدرنیته

ما در پی آنیم تا جایگاه مدرنیته را در اندیشه سروش و داوری ردیابی و شناسایی کنیم تا بفهمیم که دیدگاه ایندو نسبت به مدرنیته در کدام دسته قرار می گیرد. در این راستا از نظریه گفتمان به عنوان یک نظریه جدید استفاده می کنیم.

کلمات کلیدی : تحلیل گفتمان، لاکلا و موفه، روشنفکری، سروش، داوری

فهرست مطالب

مقدمه: طرح تفصیلی

- ۱ - طرح مسئله ----- ا
- ۲ - ضرورت و اهمیت موضوع ----- ب
- ۳ - پیشینه تحقیق ----- ث
- ۴ - سوال اصلی و سئوالات فرعی ----- ج
- ۵ - مفروض ----- ح
- ۶ - فرضیه ----- ح

فصل اول : چارچوب نظری

- ۱ - مقدمه ----- ا
- ۱-۱-۱-۱ نظریه گفتمان لاکلا و موفه ----- ۲
- ۱-۲-۱-۱ ازاک دریدا و نظریه گفتمان ----- ۷
- ۱-۳-۱-۱ ریچارد رورتی و نظریه گفتمان ----- ۹
- ۱-۴-۱-۱ اسیر تحول تحلیل گفتمان ----- ۱۲
- ۱-۴-۱-۲ نورمن فرکلاف ----- ۱۵
- ۱-۴-۱-۳ رهیافت گفتمانی لاکلا و موفه ----- ۱۹
- ۱-۵-۱-۱ تفاوت نظریه گفتمان با مارکسیسم کلاسیک ----- ۲۸
- ۱-۶-۱-۱ ظهور و سقوط گفتمانها ----- ۳۴

۳۷ ----- ۱-۷-۱ تحلیل گفتمان در عرصه عمل و روش

۳۹ ----- ۱-۸-۱ انتقادات به نظریه گفتمان

۴۰ ----- جمع بندی

فصل دوم : گفتمان غرب ستیزی

۴۳ ----- مقدمه

۴۶ ----- ۱-۲-۱ احمد فرید

۲۷ ----- ۱ - پیروز

۴۷ ----- ۲ - دیروز

۴۸ ----- ۳ - امروز

۴۹ ----- ۴ - فردا

۵۰ ----- ۵ - پس فردا

۵۱ ----- جمع بندی

فصل سوم : گفتمان عبدالکریم سروش

۵۵ ----- مقدمه

۵۶ ----- ۱-۱-۳ گفتمان بازگشت به خویشتن در نقش دگر

۶۲ ----- ۱-۲-۳ هویت در نگاه سروش

۶۵ ----- ۲-۲-۳ سه فرهنگ

۶۸	۱-۳-۳ گزینش و تفکیک غرب
۷۰	۱-۴-۳ دال مرکزی و دالهای فرعی
۷۴	۲-۴-۳ دال حق
۷۴	۳-۴-۳ دال شک
۷۵	۴-۴-۳ دال علم
۷۶	۱-۵-۳ انسجام گفتمانی
۷۷	۲-۵-۳ نظریه انتظار از دین
۸۰	۳-۵-۳ قبض و بسط تئوریک شریعت
۸۲	۴-۵-۳ حکومت دموکراتیک دینی
۸۴	۵-۵-۳ سکولاریسم
۸۴	۱-۶-۳ تحول معنایی در اندیشه سروش
۸۶	۱-۶-۳ پلی به سوی مدرنیته
۸۸	۱-۸-۳ حکومت مذهبی به عنوان دگر
۸۹	جمع بندی

فصل چهارم : گفتمان رضا داوری اردکانی

۹۲	مقدمه
۹۴	۱-۱-۴ ضرورت پرسش از غرب

- ۹۶ ----- ۲-۱-۴ ماهیت غرب و مدرنیته
- ۱۰۱ ----- ۱-۲-۴ دال مرکزی و دالهای فرعی مدرنیته
- ۱۰۴ ----- ۲-۲-۴ دال علم
- ۱۰۶ ----- ۳-۲-۴ دال عقل
- ۱۰۷ ----- ۴-۲-۴ دال اومانیزم
- ۱۰۸ ----- ۱-۳-۴ رد و انکار تجزیه و تغذیه از غرب
- ۱۱۰ ----- ۲-۳-۴ غرب ستیزی
- ۱۱۴ ----- ۱-۴-۴ تحول معنایی در گفتمان داوری
- ۱۱۶ ----- ۲-۴-۴ تعامل سنت و تجدد
- ۱۱۷ ----- جمع بندی

قسمت آخر :

۱۲۱ ----- نتیجه گیری

۱۲۶ ----- منابع

طرح تفصیلی تحقیق

1) طرح مسئله

از قرن نوزدهم هیچ چیز مانند شبیح مدرنیته برای کشورمان مشکل آفرین نبوده است. در واقع مدرنیته از قرن نوزدهم تا کنون در دستور کار فرهنگی و اجتماعی- سیاسی روشنفکران جایگاه اصلی را اشغال کرده است. چندان اغراق آمیز نخواهد بود اگر ادعا شود مسئله مدرنیته مهمترین مسئله سنت روشنفکری ما بوده است که بر جغرافیای انسانی ما سایه افکنده است و هیمنه خود را بر کلمات نهایی ما مسلط کرده است که این مسئله منجر به شکل گیری سه جریان فکری در برابر مدرنیته در میان روشنفکران شد.

1- پذیرش مدرنیته

2- انکار و رد مدرنیته

3- گزینش مدرنیته

ما در پی آنیم تا مبانی فکری و فلسفی مدرنیته را در جایگاه فکری دو تن از تاثیرگذارترین متفکران بعد از انقلاب اسلامی را ردیابی و شناسایی کنیم. ما به آن جهت این دو اندیشمند را انتخاب کردیم که بحث سروش - داوری و برخورد حامیان آنها در ایران علاوه بر اینکه یک بحث فلسفی و فکری بوده است یک بحث سیاسی نیز بود. نزاع پوپر - هایدگر در قرائت ایرانی اش به نزاع سروش - داوری تعبیر شد و چنان در شکافهای فرهنگی بلوک قدرت در ایران بازتاب یافت که عده ای جناحهای سیاسی را برخاسته از آن می دانند.

آیا مدرنیته دارای ماهیتی واحد و ذاتی حقیقی است؟

آیا هر تلاش برای حضور در داستان مدرنیته به گونه ای انعطاف ناپذیر اروپامحور است؟

آیا فرهنگها و تاریخهای دیگر از ایفای نقش مثبت در تاسیس مدرنیته در جهان معاصر ناتوان هستند؟

آیا ما می توانیم نشانه ها و دالهای جدید که بیش از این نشانه ها و دالهای رقیب تلقی می شدند وارد مفصل

بندی گفتمان روشنفکری کنیم؟

آیا ما می توانیم تجربه مدرنیته غربی را بومی سازی و زمینه پرورده کنیم؟

آیا دال مدرنیته در بستر گفتمانهای مختلف به مدلولهای گوناگون رجوع می دهد؟

آیا ما می توانیم مدرنیته را تفکیک کنیم؟

نظریه گفتمان با پذیرش اصل امکانی بودن همه چیز، راه را بر هر نوع جزم گرایی و تصلب سد نموده است یعنی نشانه ها از معانی ذاتی و گریز ناپذیر برخوردار نیستند. این امر گفتمانها را در معرض از جا کنندگی و بی قراری قرار می دهد و همواره امکان مفصل بندی نشانه ها در گفتمانهای رقیب وجود دارد. محتمل بودن گفتمان به معنای عدم رابطه ذاتی میان دال و مدلولهاست. نظریه گفتمان به ما می گوید نشانه ها بسته به بافت اجتماعی و موقعیت گفتمانی خود در درون گفتمانها از معانی متفاوتی برخوردار هستند.

2) ضرورت و اهمیت موضوع

در اهمیت موضوع همین بس که مهمترین دستور کار روشنفکران ایرانی در 150 سال اخیر چگونگی برخورد جامعه ایرانی با مدرنیته بوده است. شاید هیچ موضوعی مانند رابطه ایران و غرب اینگونه واکنشها را برنمی انگیزد. در حقیقت بحث ترسیم رابطه ما و غرب در همه سطحها و لایه های زیرین اجتماع موثر بوده است. از ظرفترین بحثها در سطح روشنفکران و دانشگاهیان گرفته تا شعارهای سیاسی و تبلیغاتی. ایجاد مدرنیته در غرب هر چند اتفاقی و بدون برنامه از قبل بود ولی چندان به آسانی و سهولت انجام نشد. زایمان مدرنیته چندان از حوادث تلخ و خونریزی خالی نبود. این امر در مورد ایران نیز صادق است در واقع از همان ورود افکار مدرن به ایران، اضطراب و دغدغه جامعه ایرانی در مورد این مهمان ناخوانده شروع شد. دیگر کسی نمی توانست نسبت به آن بی اعتنا باشد حتی برای نفی آن نیز باید از رو نعش آن رد می شدی. داستان تلاش جامعه ایرانی برای تحقق جامعه مدرن یک رمان تراژیک - دراماتیک است. از زمانیکه مدرنیته بر جغرافیای انسانی ما سایه افکند تلاش برای تحقق آن هزینه های گزافی را بر جامعه ایرانی تحمیل کرد. بررسی اجمالی 150 سال برخورد ایران با مدرنیته و تلاش برای شناخت آن و تحقق آن یک قصه پر غصه است.

از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی ما مواجه با دو نوع واکنش به مدرنیته بودیم. عده ای به گفتمان بومی و کلمه نهایی و نظام صدقی خود شک کردند و به دنبال پذیرش مدرنیته نوع غربی رفتند و در مقابل کسانی

با قرائتی دگر و غیریت از مدرنیته سعی کردند گفتمانی خارج از مرزهای مدرنیته غربی ترسیم کنند. ما دنبال این هستیم که ببینیم مدرنیته در فضای فکری بعد از انقلاب اسلامی در نظر این دو اندیشمند چه فرم و شکلی دارد.

3) پیشینه تحقیق

مهرزاد بروجردی استاد دانشگاه سیراکیوز آمریکا در کتاب روشنفکران ایرانی و غرب به واکنش روشنفکران ایرانی در برابر دگرگونیهای فرهنگی اجتماعی- اقتصادی و سیاسی در فاصله بین دهه های 1330 تا 1370 پرداخته است. بروجردی پژوهش خود را در مورد تاریخ فکری ایران در قلمرو یک مثلث فرهنگی محدود ساخته است. تمدن غربی میراث اسلامی - ایرانی و واکنش روشنفکران. او در پی این جواب است که روشنفکران در مقام آفریننده و راویان فرهنگ چه نقشی در میانجیگری بین فرهنگ غربی و ایران ایفا کرده اند. بحث اصلی بروجردی در این کتاب به روشنفکران و اندیشمندان قبل از انقلاب بر می گردد. او آرای ده روشنفکر برجسته را بررسی می کند و در این بین به بررسی مفاهیم دیگری شدن غرب و بومی گرایی دانشگاهی و بازگشت به خویشتن می پردازد. و از اندیشمندان بعد از انقلاب اسلامی و در فصل پایانی کتاب، بروجردی با تحلیل انتقادی سه رشته بحث در گرفته میان رضا داوری اردکانی و عبدالکریم سروش بحث را به پایان می رساند. گرایش نظری این کتاب نظریه اعمال گفتمانی فوکو و بحث دگر و شرقشناسی است.

مسعود پدram در کتاب روشنفکران دینی و مدرنیته، به برخورد روشنفکران ایرانی با مدرنیته می پردازد. او این برخورد را در سه دسته نفی، پذیرش و گزینش مدرنیته قرار می دهد و این سه موضع نظری متفاوت در ایران را به ترتیب در اندیشه های رضا داوری اردکانی، عبدالکریم سروش و علی شریعتی رصد می کند. پدram در این کتاب مدرنیته را نه به عنوان مفهوم خاص، بلکه کل غرب و هرچه به عنوان محصول مدرنیته است در نظر گرفته است. سکولاریسم، علم مدرن، عقلانیت، دموکراسی و آزادی در ذیل مدرنیته و محصول مدرنیته فرض کرده و به بررسی این مفاهیم در اندیشه روشنفکران پرداخته است. در صورتی که در این تحقیق خود مدرنیته به عنوان یک کل در نظر گرفته شده است.

فرزین وحدت در کتاب رویارویی فکری ایران با مدرنیته به بررسی رویارویی فکری - فرهنگی ایران با مدرنیته از نیمه قرن نوزدهم تا زمان حاضر می پردازد. به نظر فرزین وحدت مفهوم ذهنیت کلیت یافته یا تمایل سوژه خودبنیاد جهت سازمان جهان بر طبق اصول خود به عنوان جوهر مدرنیته شناخته می شود. وی با این مفهوم کلیدی به بررسی برخورد روشنفکران با مدرنیته می پردازد. رویکرد فکری - فلسفی عمیق فرزین وحدت اثر او را عمیق تر از کتاب بروجردی نشان می دهد. او معتقد است که 150 سال برخورد ایران با مدرنیته بر اساس فرایند دیالکتیکی قابل درک است. حرکت بین سلطه گری و بعد آزادی بخش مدرنیته. در برهه اولیه آشنایی ایرانیان با مدرنیته بیشتر تاکید بر بعد فرهنگی و رهایی مدرنیته بود. و بعدا تاکید بر نمودهای عینی مدرنیته و دستاوردهای آن از قبیل تکنولوژی مطرح بوده است. او در بررسی جریان فکری بعد از انقلاب سروش و داوری را به عنوان دو مرکز اساسی اندیشه در دوران جمهوری اسلامی می داند. او داوری را مخالف با سوژه خودبنیاد می داند ولی در بررسی اندیشه های سروش؛ معتقد است که افکار و گفتمان او راه را برای دست یابی به ذهنیت در یک سطح کلی، آماده کرده است. به نظر او ذهنیت با واسطه به خاطر تناقضهای ذاتی اش، اکنون نقشی گذرا در گفتمان در حال تحول ایران ایفا می کند. ولی توان دگرگون ساز خود، جامعه و تاریخ را دارد.

در تحقیقات پیشین محدوده زمانی و محدوده موضوعی خیلی گسترده در نظر گرفته شده است و این مسئله تبیین و تحلیل موضوع را مشکل می کند. تمرکز اصلی مطالعات پیشین تحولات روشنفکری قبل از انقلاب است. ولی در تحقیق حاضر سعی شده تا کار هدفمند و موضوع حدود دار باشد. و تمرکز بر روشنفکری بعد از انقلاب است. ما به بررسی مدرنیته در اندیشه این دو اندیشمند از دیدگاه لاکلا و موفه می پردازیم که سابقه نداشته است و در این بین به بحث دگر سازی و غیریت در اندیشه این دو می پردازیم. و در آخر تحول معنایی مفهوم مدرنیته را ساختار فکریشان نشان می دهیم.

4) سوال اصلی و سوالات فرعی

سؤال اصلی: آیا ما می توانیم مبانی فکری و فلسفی مدرنیته را تفکیک کنیم و دست به گزینش بزنیم؟

سئوالات فرعی:

- 1- آیا تحلیل گفتمان می تواند به روشنفکران ما در ایجاد یک مدرنیته بومی کمک کند؟
- 2- آیا ما می توانیم تاریخ روشنفکری ایران را در برخورد با مدرنیته از منظر تحلیل گفتمان نقد کنیم؟

5) مفروض:

بین ایران و غرب شکاف وجود دارد که ما بعد از جنگهای ایران و روسیه به دنبال پر کردن این شکاف بودیم.

6) فرضیه:

در نظر رضا داوری اردکانی مدرنیته یک کلیت و تمامیت است و دارای ماهیتی واحد و ذاتی حقیقی است و نمی توان آنرا تجزیه کرد و عناصر مطلوب آنرا برگزید. در مقابل عبدالکریم سروش مدرنیته را کلیت نمی داند و عنوان می کند که ما باید دست به گزینش مدرنیته بزنیم.

مفاهیم و متغیرهای اصلی تحقیق:

تحلیل گفتمان، دال مرکزی، مدرنیته و غرب، روشنفکران،

متغیر مستقل در این تحقیق مدرنیته غربی است و متغیر وابسته سنت روشنفکری ایران. که در این تحقیق سعی می شود تا تاثیر برداشت های روشنفکران ایرانی از مدرنیته را بازگو کنیم.

روش تحقیق:

چارچوب نظری این تحقیق، مبتنی بر گفتمان لاکلا و موفه به عنوان روش است.

روش جمع آوری مطالب:

روش گردآوری مطالب روش کتابخانه ای است

محدودیت تحقیق:

در بخش نظری با فقر منابع متنوع روبرو هستیم در واقع اکثر مطالب منتشر شده در مورد تحلیل گفتمان حاوی مطالب مشابهی هستند. وبا توجه به ادبیات سنگین و سخت نظریات جدید و تحلیل گفتمان استفاده از منابع لاتین به طور متناوب و زیاد مشکلات خاص خودش را داشت.

محدوده زمانی:

با توجه به اینکه یک کار تحقیقاتی مناسب و علمی باید محدوده زمانی مشخص و موضوع مشخصی داشته باشد تا یک تحقیق چارچوبمند و مستند باشد. مباحث در دوره بعد از انقلاب اسلامی و در موضوع محدودی محصور شده است.

سازماندهی تحقیق:

پایان نامه در یک مقدمه و یک نتیجه گیری و 4 فصل تنظیم شده است. مقدمه به اهمیت موضوع و طرح تفصیلی موضوع می پردازد. در فصل اول به چارچوب نظری تحقیق می پردازیم و در فصل دوم به چگونگی برخورد روشنفکران دهه 40 و 50 هجری شمسی با غرب در قالب گفتمان غرب ستیزی می پردازیم. در فصل سوم به بررسی تحلیل گفتمانی مدرنیته در اندیشه سروش می پردازیم و در فصل چهارم مدرنیته را در اندیشه رضا داوری اردکانی بررسی می کنیم.

فصل اول:

چارچوب نظری